

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: دگروال متقاعد خان آقا سعید و یادداشت پورتال
۱۸ فیروزی ۲۰۲۰

سوابق و معنای حکومت موازی!

آقایان چندی تحت رهبری محترم دوکتور عبدالله اعلان کرده اند که اگر دوکتور عبدالله را در این انتخابات برنده اعلان نکنند آنها حکومت موازی به کابل را اعلان می کنند.

برای این که خوانندگان محترم از سابقه حکومت موازی باخبر شوند با استفاده از نوشته های دوکتور حسن شرف که سی سال قبل از امروز در کتاب "کریاس پوشان برهنه پای" به موضوع اشاره و چند سال قبل در صفحه ۲۴۵ کتاب کودتای پنجم "در سقوط دولت جمهوری " سرخ یا سیاه؟؟؟؟ چنین متذکر شده بودند.

خ. سعید

((تجویز افغانستان به شمال و جنوب در سال ۱۳۶۶

بعضی از خوانندگان تجویز تجزیه افغانستان را خیری بی مبتدا و بی سابقه خوانده و با حق به جانبی پرسیده اند : چرا از چنین طرح نامأنوس و بی سابقه ای که تصور آن در ادوار تاریخ در ذهن و زبان هیچ فردی از افراد افغانستان نه گذشته و نه شنیده شده بود ، نه نوشته اند و از لغو و تخریب آن بحث کرده اند ؟

از آنجائی که طرح مذکور در زمان ریاست جمهوری داکتر نجیب الله به ابداع شوروی ها در افغانستان پیاده می شد، برای تفهیم بیشتر شمه ای از ماجرای طویل از نوشته محمد اسحاق توحی دستیار و دوست نزدیک رئیس جمهور تحت عنوان "دوکتور نجیب الله و خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان - بخش دوم اقباس شده که :

۱ - توطئه ایجاد اداره موازی حکومت در شمال:

طوری که در ابتدا عیاد آور شدم ، چند دستگی در رهبری شوروی نسبت به مسأله افغانستان مشکلات بزرگی را برای رهبری افغانستان در آن مقطع زمانی ایجاد نمود بود.

به گونه مثال ، هنگامی که سوال خروج قوای شوروی از افغانستان در زمان میخائیل گرجیوف بلند شد ، اندک زمانی نگذشته بود که دهلیز های عمارت کمیته مرکزی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان این سرگوشی ها آرام آرام شنیده می شد که گویا برای انقلابیون در تاریخ اتفاق می افتد که مجبور می شوند برای تنفس و تجدید قواء و استحکام پایه های حاکمیت انقلابی دست به عقب نشینی های موقتی بزنند . در صورت خروج نیروهای شوروی ممکن است مخالفان مسلح و حامیان بین المللی شان بر افغانستان آنقدر فشار وارد کنند که دولت را مجبور به عقب نشینی از کابل نمایند .

برای این کار باید مقدمه های ایجاد یک اداره در شمال کشور قبلاً آماده باشد . حتی از ویتنام ، کوریای شمالی ، یمن جنوبی ، و غیره مثال هائی آورده می شد.

به خاطر دارم که یک مشاور بلند پایه شوروی نیز در این مورد از تن دادن به چنین موقعیت های ناگزیر افاده هائی را برای نگارنده انجام داده بود که سخنان او را به دوکتور نجیب الله یاد آور شده بودم.

چنان که در یکی از جلسه های بیرونی سیاسی حزب، که نگارنده به حیث دستیار منشی کمیته مرکزی اجازه شرکت را به حیث سامع داشتم ، دوکتور نجیب الله در مورد شایعه ها و سر و صداهاى تخلیه ولایت ها و ایجاد یکدم و دستگاه اداره دولتی در شهر مزار شریف، بشدت موضع مخالف گرفت و آن را به حیث یک توطئه آشکار برای تجزیه افغانستان خواند.

واضح بود که برای روس ها اتخاذ چنین یک موقف به معنای رویارویی و مقابله با آنها بود.

با وجود آن یک اداره طویل و عریضی به نمایندگی شورای وزیران در شمال، زیر نظر و ریاست دوکتور نجیب الله مسیر معاون شورای وزیران ایجاد گردید ، که به سطح معین های هر وزارت در تشکیلات مذکور بستهای گنجانبه شده بود.

وظیفه نمایندگی مذکور ظاهراً تنظیم امور انتقالات و بهره برداری از ذخایر نفت و گاز، کودکیمیای و ذغال سنگ و غیره بود.

ولی در عمل حیثیت یک شورای وزیران موازی با کابل را داشت.

تا جایی که حوادث بعدی نشان داد دست مسکو در پشت مفکوره ایجاد اداره موازی در شمال دیده می شد (حتی تا امروز هم نوار امنیتی در شمال افغانستان از اهداف روسیه حذف نشده است) تا در صورت ضرورت مقدمات ایجاد یک نوار امنیتی را در شمال هندوکش برای حفاظت جمهوری های آسیای میانه چیده باشد.

طبیعی است که مخالفت دوکتور نجیب الله با چنین تشکیلات برای شوروی خوشایند نبود و می توان گفت که به خاطر همین موضع او بود که مورد سوء ظن روسها قرار گرفت.

واقعیت این است که دوکتور نجیب الله به عکس ادعای دروغین حسن شرق، مخالف تشکیل حکومت به مثابه بدیل حکومت مرکزی و مخالف تحکیم مواضع احمد شاه مسعود در ساحات وسیع از ولایات شمال بود و این اقدامات را پلانی در راستای سیاست های مسکو جهت تأمین تضمین مصونیت سرحدات اتحاد شوروی و مغایر منافع ملی کشور می خواند . او معتقد بود که تعمیم این پلان در نهایت به تجزیه افغانستان منتج می گردد.

چنانچه موصوف (دوکتور نجیب الله) با قاطعیت در یک جلسه هیأت اجرائیه ح.د.خ .توأم با عصبانیت ادامه داد : رفقاء، دقیق و با مسؤولیت می گویم که این پلان [شوروی ها] پلان تجزیه افغانستان است و من حاضر نیستم مسؤولیت تاریخی آن را به عهده بگیرم . از همین حالا اگر کدام تان حاضر هستید ، بسم الله . اما در صورت موافقت شما من حاضر هستم از تمام مقام ها استعفی بدهم . (ختم)

ما هم باور داریم که مرحوم نجیب الله با فهم و دانشی که داشت بخوبی می دانست که تعمیم پلان تشکیل حکومت خود مختار ولایات شمال هندوکش در نهایت به تجزیه افغانستان منتج می گردد .

بناءً جان مطلب و سوال در این جاست که چرا جناب شان در پیاده کردن چنین طرحی که به فرموده خود شان منافع شوروی و تجزیه افغانستان را در بر داشت در سال ۱۳۶۶ ه ش . بعد از رسیدن به مقام ریاست جمهوری اقدام می کنند؟ و دوکتور نجیب الله مسیر عضو کمیته مرکزی ح.د.خ از جناح پرچم را که خود یکی از ستمی های تجزیه طلب بود به فرمان مبارک خویش به حیث کفیل صدر اعظم در ۹ ولایت شمال هندوکش با ۱۷ نفر اعضای کابینه آن مقرر

می نمایند؟ و به ولایات ۹ گانه بلخ، بدخشان، تخار، کندز، بغلان، جوزجان، سرپل، فاریاب، و بامیان هدایت می دهند تا به جای حکومت مرکزی از اوامر حکومت خود مختار شمال پیروی نمایند.

باعرض احترام

خان آقا سعید

یادداشت:

با عرض احترام خدمت فرستنده مطلب همکار عزیز ما آقای "سعید"، در مورد مطلب ارسالی شان باید بنگاریم:

۱- با در نظر داشت این که بر مبنای اسناد افشاء شده و عملکرد افرادی از قماش "حسن شروق" و "اسحاق توخی"، هر دو نفر در خدمت "ک.ج.ب" قرار داشتند و چه بسا در آن زمینه از تعلیمات استخباراتی مسلکی نیز برخوردار باشند، قید احتیاط حکم می نماید که نسبت به تمام آنچه از آنها نقل قول می شود، با احتیاط لازم و شک مبارزاتی علیه تبلیغات استخباراتی برخورد صورت گیرد.

۲- از آن جایی که به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" به اراده و به منظور برآورده ساختن اهداف شوروی متوفا در افغانستان به وجود آمده بود و در هیچ موردی کمترین استقلال در تصمیم گیری هایش نداشت، لذا هر چند احتمال این را که فرد و یا افرادی از درون آن نهاد استخباراتی با تصامیم بادران شان موافق نبوده باشند و یا این که وظیفه داشته بوده باشند تا در نقش مخالف تصامیم تظاهر نمایند تا مخالفان اصلی را شناسائی نموده برای فرد متظاهر بینی خمیری آماده نمایند، نمی شود منتفی دانست با آنهم وقتی پای تصمیم گیری در میان می آمد اراده فردی هیچ عضوی از اعضای آن باند جنایت پیشه و میهنفروش، اهمیت نداشته هیچ یک از آنها اجازه نداشتند علیه تصامیم بادران شان رأی منفی داده و یا اقدامی نمایند.

۳- توسل به تجزیه، منحصر به سیاست های شوروی متوفا نبوده بلکه رقیب قدرت آن امپریالیسم امریکا نیز در این زمینه تاریخ مطولی دارد. تاریخی که از تقسیم دو المان شروع، با تقسیم کوریا و ویتنام و هم اکنون دامن زدن به تجزیه اوکرائین ادامه یافته است.

نقشه ای که در سال ۲۰۰۸ از جانب پنتاگون به ارتباط تغییرات مرزی در خاور میانه با تغییر نقشه جغرافیایی تمام منطقه به نفع اسرائیل ترتیب و نشر گردیده بود، بیانگر آن است که خطر تجزیه هیچ زمانی از بالای کشور ما رفع نشده، وظیفه هر هموطن آزاده و شریف است تا جهت خنثی ساختن برنامه ها و نقشه های تجزیه طلبانه از هر جانی که باشد، از جان خویش مایه بگذارد.

اداره پورتال AA-AA